

تکرار

فصل نامه تکرار، فرهنگی، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی | سال سوم، شماره هفتم، آذر ۱۳۹۹ | شماره مجوز: ۹۶۲۲۳۴

صفحه ۳

الهه مرگ و امر مقدس

صفحه ۸

آدرس اشتباهی فساد

صفحه ۶

سیاست زمین سوخته

صفحه ۴

فوتبال سیاسی

یا سیاست فوتبالی؟!

مسئله این است...

صفحه ۴

ورونیکا در بوته معرفی و نقد

صفحه ۷

فجازیسم

فخری زاده

شهید محسن

انتقامی به وسعت شکوه
«دانشمند هسته ای»

آدمها هم مانند همه چیز این دنیا متفاوتند، بعضی ها خوبند، بعضی ها مفید و خوب اند، بعضی ها هم از آن دسته خوبهایی هستند که ماندگار میمانند؛ گرچه این منحصر به حضور و وجود فیزیکیشان نمیشود. ما شاید تازه الان بتوانیم شما را بشناسیم: رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع، استاد فیزیک هسته ای دانشگاه امام حسین علیه السلام، دانشمند ارشد وزارت دفاع و لجستیک نیروهای مسلح، جزو ۵ ایرانی لیست ۵۰۰ نفره قدرتمندترین افراد جهان نشریه فارن پالیسی، دارنده لقب پدر هسته ای ایران در رسانه های غربی و در آخر دانشمند هسته ای شهید محسن فخری زاده .. قسم به باشکوه ترین عنوانت، ما انتقام خون های کف خیابان و رگبارهای گلوله سلیمانی هسته ای مان را با تمام وجود خود خواهیم گرفت!

سمانه عبداللهی، کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی

د ف عشق با رنگ خون

حکایت اینبار ما، از امتداد راه عاشقان به مردی می رسد که تمام زندگی اش وقف در خدمتی بی ادعا بود. و سرانجام در جمعه ای در پس هزاران جمعه های انتظار، در سکوتی شبیه انگیز، د ف عشق را با دست خونین زد و چشم ملت های مظلوم و مسلمان جهان را گریان از فقدان خود کرد. این صدای د ف برای ما آشناست. صدای شکسته شدن آینه ای که تمثالش منجی حق (عج الله) است. و این صدای دست خونین، نفع صوری است برای ستمگران که بدانند پایان دنیایشان نزدیک است. و پایان این حکایت، خونی است پاک و پاینده.

سید حسن حسینی مطلق، ارشد فقه و حقوق

تیرها در خون

هنوز شهادت دردناک شهید رضایی نژاد و اشک های آرمیتای معصوم را فراموش نکرده بودیم. هنوز برای نبود شهید احمدی روشن متأثر بودیم و هنوز قلبمان زخمی شهادت حاج قاسم سلیمانی بود، که تیر خیرها دوباره قرمز شد و سرخی کلمه ای ترور قلبمان را سیاه کرد... خبر کوتاه بود و جانکاه " ترور شهید فخری زاده دانشمند هسته ای "

اخبار تلخ این روزها را گره میزنم به خاطرات پدر از دلاوری های چمران و آوینی و مطهری و روایت فتحی مینویسم برای فرزندانمان تا بدانند ایران همیشه سربلندیش را مدیون مردانی است که با خونشان وطن را ازاد و آباد کردند...

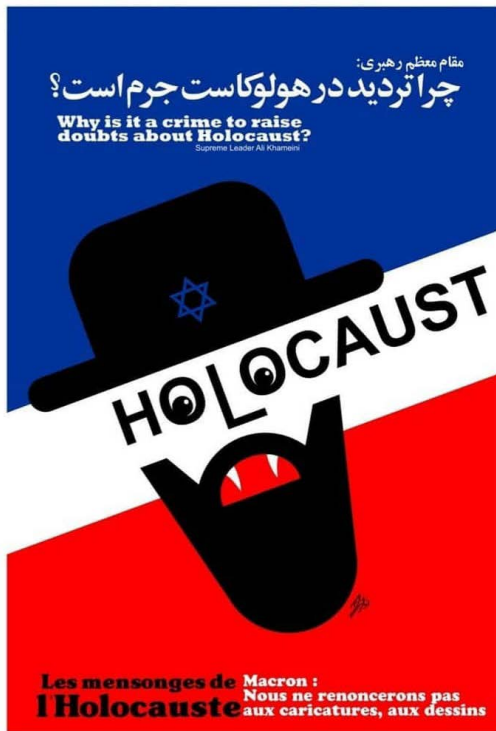
مینویسم انتقام گرفتن خون شهیدمان باما پاسداری اش با شما...

فاطمه گلشنی فر، کارشناسی مدیریت بازرگانی

راهکار مبارزه با هجمه غرب بر پیامبر اسلام (ص) و ارزش های انسانی

سیده تکتم سیدی.....
کارشناسی ادیان و عرفان تطبیقی

پوچ است و مواردی از این دست که بر هسته های مبنایی معاندان دین بنا شده است.



لازم به یادآوری است که جهان اسلام اگر جهان اسلام است به آبروی این بزرگمرد تاریخ است و اگر او نباشد اسلام و مسلمان معنایی ندارد. در واقع حلقه گم شده این اعتراضات شیوه و روش برخورد مسلمین با این رفتار است، طوری که دشمنان دیگر جرأت چنین رفتاری را به خود راه ندهند و این راه را حضرت امام(ره) در قضیه سلمان رشدی به ما نشان دادند؛ برخوردی سخت و بازدارنده.

قلم به دستان و نشریات جهان اسلام باید بروی نقطه حساس دشمن تمرکز کرده و طوری حمله کنند که برای همیشه عقب بنشینند. تمامی نشریات جهان اسلام باید در یک حرکت هماهنگ و در یک کار جمعی در مورد هولوکاست و حقیقت آن سخن بگویند، مقاله و کتاب بنویسند و این پویش را تبدیل به یک جنبش کنند.

ترجمه کتاب خیزران که از طرف رژیم صهیونیستی ممنوع شده است باید دوباره و چند باره چاپ شود. کتابی که با ادله علمی و قطعی اذعان میکند که یهودیان موجود در فلسطین اشغالی کنونی هیچکدام اسباط نیستند و این ادعای آنها

رسول گرامی اسلام(ص) در جنگ احد هنگامی که مسمانان در پاسخ به رجزخوانی مشرکان به بتهای آنها توهین کردند، ایشان را از این کار منع کردند و فرمودند: «لا فحش ولا توحش فی الاسلام». این سخن نه سرلوحه زندگی هر مسلمان، که هر انسان آزاده ای است.

متأسفانه در تفکر غربی این توقع برآورده نمی شود. درین تفکر مرز بین شاخصهای عقلانیت و آزادی دریده شده است. مرز بین حقوق بشر و توحش؛ مرز بین اکرام زن و برهنگی و...همچنانکه مرزی بین آزادی بیان و توهین وجود ندارد.

در توهین اخیر به مقدسات اسلام گروه هایی به نشانه اعتراض تظاهرات کردند، اعلامیه دادند، علما و اندیشمندان محکوم کردند و گروهی از حقوقدانان هر چند اندک خواستار رسیدگی مجامع بین المللی شدند. اما آنچه حائز اهمیت است برخورد نشریات جهان اسلام است که به صورتی کم فروغ و بی مایه در گوشه و کنار جهان باندازه ستونی و یا پیامی برای اینکه کنارعریضه خالی نماند بود.

خون به ناحق ریخته

مجید نجفی.....
ارشد ادیان و عرفان تطبیقی

یادداشتی بر عملکرد پلیس در برخورد با متهمان

تمام توان در قبال عملکرد صحیح نیروی انتظامی در مواقع مقتضی دفاع، دفاع کرد و در مواقع اینچنینی با همه وجود مطالبه گری کرد تا آفات این رفتار گریبان گیر همه سیستم نشود که اگر اینگونه شد، نسخه های داخلی «جرج فلوید» تولید می شود!

از همین تریبون از مقامات مربوطه می خواهیم با مأمور خاطی در این ماجرا و همه ماجراهای این چنینی برخورد لازم را داشته باشند و به اطلاع عموم مردم برسانند تا مبادا اشتباهات فردی، اشتباهات سیستماتیک خوانده شود و زمینه سوژه سازی برای زدن همه نظام توسط گروه هایی مثل BBC یا VoA و موارد این چنینی فراهم شود.



درونی نظام جمهوری اسلامی با ظلم مخالف است و فرقی هم نمی کند که این ظلم از جانب یک صاحب منصب باشد یا یک شخص عادی؛ لذا وقتی چنین مواردی به نسبت معدود اما عمیق را در سیاست های رفتاری نیروی انتظامی می بینیم، دچار یک پرسش می شویم: چرا باید چنین برخوردی صورت بگیرد؟!

چیزی که مسلم است این است که نمی توان اشتباه یک مأمور را به همه مأموران نیروی انتظامی تسری داد اما از آن طرف هم نمی توان چشم به روی اشتباهات مهلک و اثرگذاری بست که مثل یک سوراخ کوچک در کف کشتی عمومی هستند و سرانجام اگر درمان نشوند، باعث غرق شدن همه نظام می شوند. باید برای برخورد خودسرانه و دور از اخلاقی که برخی از مأموران نیروی انتظامی انجام می دهند چاره ای اندیشید چرا که مصادیق این رویه غلط کم نبوده و خون های به ناحق ریخته ای که حقتشان مرگ نبوده، قابلیت این را دارند که بتوانند حتی یک نظام مبتنی بر خون شهیدان را ساقط کنند. به هر حال خداوند با کسی تعارف ندارد و اگر از سنت هایش عدول شود، دیر یا زود زمینه سرنگونی و نابودی آن شخص یا نظام را فراهم می کند. لذا باید با

ماجرای برخورد با جوانی که در محله شهید فتحی آشوب به پا کرده بود و بعد از آن حضور نیروی انتظامی، باعث شد تا عملکرد مصداقی نیروی انتظامی کشور را مورد بررسی قرار دهیم. کسی نمی تواند منکر امنیت اجتماعی که محصول عملکرد نیروهای امنیتی و انتظامی کشور هست باشد چرا که بارها و بارها نیروی انتظامی با حضور شجاعانه و جسورانه خود چه در مرزها، چه در داخل باعث امنیت و آرامش خاطر مردم شده است. اما مسئله سر مصداقی است که به عنوان یک مجموعه نمونه از عملکرد نیروهای انتظامی باقی می ماند و هیچ تناسبی با روحیه فداکارانه و سربازانه برای ایران ندارد.

اما اتفاقی که برای جوان مشهدی رخ داد، حتی اگر عامل مرگ او نبوده باشد، خلاف قانون بوده و باعث بی اعتمادی عمومی به نیروی انتظامی می شود. طبق اصل ۳۹ قانون اساسی: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی و تبعید می شود ممنوع و موجب مجازات است».

به عبارت دیگر، کرامت انسانی فرد نباید شکسته شود حتی اگر خودش به آن بهایی نداده باشد. اساسا ذات و ساختار

ازدواج شیرین دانشجویی

آنچه باید از ازدواج دانشجویی بدانیم

فاطمه معاریان
کارشناسی جغرافیا

الهه مرگ و امر مقدس

هانیه غلامی
ارشد ادیان و عرفان تطبیقی

* نکات مهم درباره ازدواج در دوران دانشجویی :

به بهانه ی ازدواج وارد رابطه ی دوستی نشوید

خیلی از افراد به بهانه ی شناخت بیشتر با همکلاسی خود دوست می شوند و خانواده هایشان نیز از این موضوع بی اطلاع هستند. باید در این رابطه گفت اگر قصد ازدواج دارید هرگز دوست نشوید چرا که فردی که قصد ازدواج و زندگی مشترک داشته باشد هرگز دوست نمی شود و خانواده ی خود را نیز در جریان قرار می دهد، لذا این موضوع را جدی بگیرید

منافع فرد مقابلتان را نادیده نگیرید

اگر عاشق هستید نباید منافع فرد مقابلتان را نادیده بگیرید و باید منافع فرد مقابل را به منافع خودتان ترجیح دهید. بنابراین اگر با همکلاسیتان آشنا شده اید و او را دوست دارید و خانواده تان مشکلی با این نوع ازدواج شما ندارند اما خانواده او سنتی بوده و با این آشنایی مخالفند او را مجبور به گفتن این آشنایی به خانواده اش نکنید و منافع او را در نظر بگیرید. پس بهتر است یک واسطه برای صحبت کردن با پدر و مادر او بفرستید.

وابستگی نشانه عشق نیست

دانشجویان مدت زمان زیادی (حداقل ۲ سال) در کنار هم درس می خوانند و می توانند بهتر و بیشتر خصوصیات و ویژگی های رفتاری، روانی و اخلاقی یکدیگر را ببینند و بشناسند اما هر روز دیدن و رابطه داشتن با همدیگر، روابط عاطفی عمیقی میان دختر و پسر به وجود می آورد و باعث می شود دو طرف نتوانند به شناخت درست و دقیقی از فرد مقابل برسند.

آیا شغل مناسبی دارید که بتوانید مایحتاج اولیه زندگی مشترک را فراهم کنید؟

یکی از مسائل مهمی که می بایست در نظر گرفت شغل مناسب است چرا که مشکلات اقتصادی می تواند زمینه ساز مشکلات دیگری نیز باشد و زندگی مشترک زوجین را تحت تاثیر خود قرار دهد. بنابراین از بدیهیات زندگی مشترک از جمله اشتغال، نباید غافل شوید.



از دیدگاه بعضی از افراد، دانشگاه یکی از روش های آشنایی پسر و دختر با یکدیگر محسوب می شود و بسیار اتفاق می افتد که افراد پس از آشنایی با یکدیگر در این محیط تصمیم بر خواستگاری از یکدیگر و ازدواج با هم می گیرند.

ازدواج به سبک دانشجویی تنش زیادی را بین خانواده ها ایجاد می کند و نتایج نشان می دهد خانواده ها خیلی هم موافق این سبک ازدواج نیستند زیرا هنوز هم راه و رسم عشق و عاشقی و ازدواج در فرهنگ ما اصول و قواعد خاص خودش را دارد و خانواده طرفین نقش بسزایی در شکل گیری آن دارند.

ازدواج دانشجویی مزیت هایی نیز دارد؛ از مزیت های ازدواج دانشجویی آن است که در این ازدواج ها، توقعات کمتری از عروس و داماد وجود دارد و شما اگر در دوران دانشجویی تان ازدواج کنید هم خانواده ها حمایت تان می کنند و هم کمتر کسی از شما توقع زیاد و مراسم های آنچنانی دارد.

ازدواج در دوران دانشجویی، به شما کمک می کند زندگی تان را نظم دهید و زودتر به فکر آینده تان بیافزید. شما و همسرتان هر دو انگیزه های زیادی برای ساختن زندگی و جمع و جور کردن و به دست گرفتن کنترل شرایط را دارید. با این حال، مهم ترین اشکال ازدواج دانشجویی این است که پدر و مادرها دید خوبی نسبت به این جریان ندارند و در چنین شرایطی حس می کنند نادیده گرفته شده اند و به نظر آنها به عنوان یک بزرگ تر، اهمیتی داده نشده است. بسیار از خانواده ها هنوز دید سنتی بر روی ازدواج دارند و دوست دارند که فرزندشان ازدواجی مطابق میل آنان داشته باشد و بسیاری از آنها از اینکه خود بچه ها همسرشان را انتخاب می کنند ناراضی هستند. بنابراین با این نوع ازدواج مخالفت می کنند و قاعدتا اگر خانواده نگرش مثبتی نسبت به این ازدواج نداشته باشد روی زندگی آینده دختر و پسر اثر می گذارد.

از نظر برخی، ازدواج دختران در زیر ۱۷ سال و پسران زیر ۲۲ سال اشتباه است چرا که معتقدند برای ازدواج به غیر از سن، رشد عاطفی، اجتماعی و... پارامترهای مهمی هستند. اگر دختر و پسر به رشد عقلانی کافی رسیده باشند در ۲۱-۲۲ سالگی هم می توانند ازدواج کنند اما اگر رشد در ۲۸ سالگی هم ایجاد نشده باشد ازدواج در آن سن هم توصیه نمی شود.

جالب است بدانید که محیط فرهنگی ای مثل دانشگاه یکی از گزینه های آشنایی برای ازدواج است. دختر و پسر در این محیط یکدیگر را می شناسند و با هم آشنا می شوند. این دو نفر بهتر است با یکدیگر صحبت کنند تا بدانند آیا از لحاظ روحی، روانی، عاطفی و... متناسب یکدیگر هستند یا خیر. اگر این طور بود آشنایی را رسمی کنند.

در ازدواج دانشجویی حتما باید رضایت پدر و مادر جلب شود زیرا عدم رضایت خانواده ها درصد طلاق را بسیار بالا می برد و این ازدواج منجر به شکست می شود. حتما باید بعد از اعلام واسطه، دختر و پسر به پدر و مادر خود بگویند که من این شخص را پسندیده ام اما در نهایت نظر شما برایم بسیار مهم است.

همچون الهه ای قدرتمند، زیبا و بی رحم سرزمین ها را زیر پا می نهد و بی رقیب می تازد و ما محبوس حبّ ذات گشته ایم. اما حبس، از آن کالبد خاکی است. اندیشه، ایمان و باورمان آشکار می شود؛ درست زمانی که بند بر پای داریم. مدت ها قبل پرسیده بودم حضور در مناسک، آیین ها و مکان های مذهبی از سر عادت بوده یا باور؟ به خودتان بنگرید، به اطرافیانتان! انسان ها از دیرباز آموخته اند با هم بودنشان توانمند شدنشان را به همراه دارد و می تواند امر مقدس {خدا} را تحت تأثیر قرار دهد. شاید خودشان هم ندانند دقیقا چرا. یا در موارد دستوری شریعت، دلیلی ارزشمند نداشته باشند.

اما به نظر من عواملی که به واقع تجربه دینی را رقم می زند نمی تواند از سر عادت باشد. هر چند که البته می دانم درباره انسان، مطلق سخن گفتن سفاکت {غلط} است. اما آنچه در این دوره زمانی می فهمم، حضوری است نه تنها از سر نیاز انسان به اجتماع بلکه به سبب هارمونی {سازش} دسته جمعی صدا و حرکات که یک تن واحد را می سازد. با حضور در مکان مقدس و زمزمه ی صاحب خفته ولی بیدار خانه، جان انسان جلا می یابد از این رو آب و آیین تجلی گاه امر مقدس خواهد شد و بی تابی انسان از این تحریم خود خواسته در پس تمام کلمات، تصاویر، اشک و لبخندهایی که به اشتراک می گذارد نمایان است.

کاش کرونا، سقلمه ای باشد به پهلوی افکار ساکنان دهکده جهانی



فوتبال سیاسی یا سیاست فوتبالی؟! مسئله این است...

فوتبال در هر کشور تجلی کدام رویدادها است؟

نجمه قاسمعلیپور
کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی



کشورهای مختلف برای کسب میزبانی جام جهانی و تبلیغ های سیاسی و سرکوب مخالفان جام جهانی در برزیل رفتار سیاسی تلقی نمی شود؟ مگر مسائلی مانند استثمار کارگران در قطر و بی تفاوتی فیفا نسبت به آن، عدم حضور ورزشکاران ایرانی در برابر ورزشکاران اسرائیلی و به رسمیت نشناختن آن ها یک رفتار سیاسی به شمار نمی رود؟

سیاسیون همه چیز را برای پیش بردن اهدافشان به کار میگیرند بخصوص فوتبال را که عمیق ترین تاثیر را بین توده مردم دارد و بعد عظیم تبلیغاتی را داراست که کمترین پدیده ای در جهان چنین ویژگی دارد.

زمانی که رجل سیاسی ایران برای جریمه نشدن و بازگرداندن بازیکنی با سیاسیون ترکیه وارد مذاکره شدند مگر دخالت سیاست در فوتبال نبود؟ آیا این دخالت سیاست در فوتبال منفی است یا مثبت؟ یا همین قانون تازه تصویب شده من درآوردی ممنوعیت ورود خارجی ها به لیگ ایران برای پیشگیری از هدر رفتن پول بیت المال که در آینده باعث عدم پیشرفت فوتبال ما و گران شدن قیمت بازیکنان و مربیان داخلی می شود. مگر پول مربیان و بازیکنان داخلی از بیت المال وصول نمی شود؟

تمام این مطالب نشان دهنده دخالت سیاست در فوتبال است و به ما یادآوری میکند که نباید بعد سیاسی فوتبال را از یاد برد...

و با فرهنگ بومی آنجا شناخته میشود. درهم گسیختگی اجتماعی ما در ساختار فوتبالمان نمود پیدا میکند، هیجانات و احساسات آمریکای جنوبی در درگیری ها و جنگ های آن منطقه و گل گل گل گفتن گزارشگران آن ها نمود پیدا میکند، فوتبال هنوز به هلندی ها جنایات آلمان نازی را یادآوری میکند، به طرفداران سلتیگ و گلاسکو ریشه قدیمی دشمنیشان را یادآور میشود، به بارسایی ها سلطه چند قرن اسپانیا و غصب نمادهای ملیشان را یادآوری میکند و برای ما نمود تیرگی روابط ما با اعراب است.

این پدیده که دیگر رنگ و بوی تجارت، سیاست، فرهنگ و هنر و ... را گرفته است را نمیتوان تنها از زاویه ورزشی تفسیر کرد و دید. این روزها زیاد میشنویم که میگویند فوتبال را با سیاست قاطی نکنید اما مگر میشود فوتبال را تنها یک پدیده ورزشی مطلق دانست؟

هنوز آرژانتینی ها میتوانند گل مارادونا را دست خدا بنامند و با آن انگلیسی ها را تحقیر کنند، هنوز انگلیسی ها و آلمانی ها سرناسازگاری با یکدیگر دارند، هنوز در لالیگای اسپانیا اتلتیکو بلبائو و بارسلونا نماد جنبش های آزادی خواهی و مدنی به شمار میروند، تراکتورسازی نمادی از پان ترکیسم به شمار میرود و پان ایرانیسم و پان عربیسم در بازی های باشگاهی و ملی بین ما و کشورهای حوزه خلیج فارس رواج دارد.

آتش این کینه توزی ها با بازیهای فوتبالی تازه میشود و حفره در روابط بین کشورها عمیق تر از قبل میشود. مگر رفتارهایی مانند رشوه دادن

نخبگان و بیخبران از دنیای فوتبال در آغاز هر فصل فوتبالی تعصب بر سر فوتبال باشگاهی و عاشقان سینه چاک تیم ها را دیوانگانی میخوانند که به تماشای حرکت قطار خالی نشسته اند. اما همین دیوانگان (!) در کنار نخبگانشان زمانی که پای فوتبال ملی به میان می آید با تعصب چه باخت و چه برد تیمشان را جشن میگیرند.

چه چیزی در این میان تعصب بر سر فوتبال ملی را موجه و معتبر میسازد؟ پرچم؟ زمانی که یک هوادار متعصب باشگاهی پرچم باشگاه مورد علاقه اش را بر خود میپوشاند و همچون هوادار ملی صورتش را به رنگ پیراهن باشگاهش نقاشی میکند چه فرقی دارد با هوادار ملی که گلدریدن های او توجیه ناپذیر است و شادی ها و فریاد های ملی حتی برای باخت توجیه پذیر؟ آیا میتوان یک بازی فوتبال را تنها و صرفا با اتفاقات داخل زمین خواند و آن را بدون سیاست و وضعیتی که در فوتبال اجرا میشود، دید؟

بنظر من فوتبال به عنوان یک پدیده اجتماعی باید مورد مطالعه قرار بگیرد. شاید هیچ تجارتی را نتوانید پیدا کنید که با زندگی روزمره مردم گره خورده باشد. فارغ از اینکه کجا زندگی میکنید، چه دینی دارید و پوست تنتان چه رنگی است میتوانید این زبان مشترک را درک کنید و با آن شاد باشید یا بگریید. اما این تنها یک روی سکه فوتبال است. دشمنی به عنوان نقطه مقابل این درک متقابل شناخته میشود.

فوتبال علاوه بر ایجاد یک وحدت همگانی یک پدیده چند بعدی است، پدیده ای که در هر نقطه ای رنگ و بوی آن اجتماع را میگیرد

ورونیکا در بوته معرفی و نقد

معرفی کتاب «ورونیکا تصمیم می گیرد بمیرد»

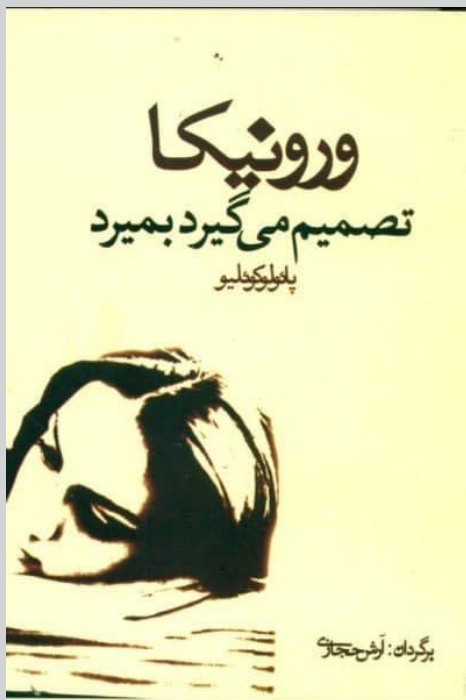
هانیه غلامی
ارشد ادیان و عرفان تطبیقی

بسیاری از ما انسانها غافل از آنکه تنها یک بار فرصت زندگی در دنیا را داریم لذت زندگی کردن را از خود دریغ می کنیم. دریغ کردن، ثمره نوع نگاهی است که به زندگی خواهیم داشت. این نگاه ناخودآگاه به وجود نمی آید بلکه عوامل مختلفی در شکل گیری آن تأثیر گذارند. اما گزاره ای که در کلام پائولو کوئیلو قابل توجه است، نقش امر مقدس در زندگیست. امری مقدس که پائولو نمود آن را در ادیان مختلف از جمله مسیحیت، یهود، هندوییزم، اسلام و بودیزم بیان می کند.

رمان یک برش زمانی از یک هفته فرصت برای ورونیکا است و پائولو می خواهد چیزی را از طریق سیر ماجرای او بیاموزد. پائولو با تأکید

بر درون باشندگی امر مقدس اعتقاد به اثرگذاری امر دینی در درون انسان قصد دارد به معنویت گم شده در زندگی اشخاص افراد اشاره کند. در واقع وی از معنویت سخن می گوید که فارغ از هر نوع اعتقاد دینی باید در بطن زندگی فردی وجود داشته باشد و به عنوان نیروی مولد برای تحقق بخشیدن به رویاهای فردی از آن بهره مند شد. این در حالی است که فراباشندگی امر مقدس می تواند اهمیت خود را از دست بدهد. شاید از همین روست که بعضی رویکرد پائولو را در چارچوب معنویت های نوظهور تعریف کرده اند.

تألیف: پائولو کوئیلو
ترجمه: آرشد حجازی



آدرس اشتباهی فساد

بررسی ماجرای خانه سی میلیاردری!

در شب هشتم محرم ۱۴۴۲، حجت الاسلام پناهیان، به برخی از اتهامات رسانه‌های طرفدار دولت پاسخ داد و انتقادات بالصرافه ایشان از مفسدین فی الارض و آقازادگان ناکارآمد، موجی از هجمه‌ها را به دنبال داشت. و باز هم طبق معمول خبر رسان‌های طرفدار دولت به جای پاسخ منطقی، به طرح اتهامات بی‌اساس و شارلاتانیزم رسانه‌ای روی آوردند و از پاسخ گویی صریح و لزوم این موضوع اجتناب کردند؛ مطلب ذیل بخشی از سخنان علیرضا پناهیان در واکنش به ادعای «خانه سی میلیاردی» است.

گردآورنده:

زهرایا باخدا
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

ترفند های جالب برای آسایش بیشتر در زندگی

فاطمه معماریان
کارشناسی جغرافیا

همه ما طرفدار راه حل های ساده و خلاقانه برای آسان کردن کارهای روزمره هستیم و دوست داریم در کمترین زمان ممکن مشکلاتمان را حل کنیم، لذا به شما توصیه می کنیم اگر از آن دسته افرادی هستید که زندگی روزمره ی شلوغی دارید و طرفدار راه حل های کوتاه اما کاربردی هستید، حتما این مقاله را مطالعه نمایید.

۱- کفش های ضد آب

برای آن که کفش های خود را در برابر آب مقاوم کنید، تنها به یک ششوار و موم زنبور عسل نیاز دارید. موم را روی تمام نقاط کفش خود بمالید. سپس ششوار را روی آن بگیرید؛ تا جایی که موم کامل ذوب شود و دیگر هیچ اثری از آن مشاهده نگردد. اکنون کفش شما ضد آب شده است.

۲- خشک کردن سریع لباس ها

اگر خشک کن در دسترس قرار ندارد و یا آن که می خواهید لباس هایتان سریع خشک شوند، می توانید از این ترفند بهره بگیرید. لباس مرطوب را روی یک حوله خشک قرار دهید. حوله و لباس را به صورت رول پیچانید. حوله را تا جایی فشار دهید که تمام آب اضافی از لباس خارج گردد. پس از آن لباس را آویزان کنید تا کامل خشک شود.

۳- از بین بردن بوی کفش

می توانید با قرار دادن چای کیسه ای در کفش ها، بوی بد آن ها را از بین ببرید. اگر در کفش هایتان رطوبت نیز وجود دارد، ترکیبی از برنج و جوش شیرین را درون آن ها قرار داده و بگذارید ترکیب چند روز در کفش ها باقی بماند.

۴- رهایی از کفش های تنگ

اگر کفش های جدیدی که به تازگی خریده اید، پای شما را اذیت می کنند، تا آن جا که می توانید درون آن ها را با روزنامه مرطوب پر کنید. بگذارید کفش ها خشک شوند و سپس روزنامه ها را در بیاورید.

۵- روشن کردن آتش

چیپس ها تنها برگه های خوشمزه سیب زمینی نیستند. روغن، چربی و مواد شیمیایی موجود در آن ها، می تواند آن ها را به ماده ای مناسب برای روشن کردن آتش تبدیل نماید.

۶- از بین بردن بوی بد بدن

اگر عطر خود را فراموش کرده و قصد دارید خوش بو باشید، یک لیمو، پرتقال یا نارنگی را نصف کرده و آن را روی پوست خود بمالید. به این ترتیب، بوی بد بدن از بین خواهد رفت.

۷- تقویت بلندگوی تلفن هوشمند

موبایل خود را درون لیوان یا ظرف قرار دهید تا صدای آن تقویت شود.

جایی بخریم، در نتیجه مجبور شدیم مستأجر شویم، با افتخار! البته اینکه افتخار نیست که ما الان پول نداریم، امکانات زیاد نداریم، هرچند باید بگوییم الحمدلله یک امکانات حداقلی داریم که متأسفانه ممکن است خیلی از اقشار فقیر جامعه همین امکانات را هم نداشته باشند. این امکاناتی که الان ما داریم، من اگر مسئول بشوم همین را هم نباید داشته باشم و بروم مستأجری.

ولی ما وقت نکردیم، اولش توی جنگ بودیم و بعدش هم این قدر کار و این قدر فعالیت‌های روی زمین مانده‌ای بود که... شاید هم خودمان را الکی زیاد مشغول کردیم. یک نفر از علما این قدر من را توبیخ می کرد که «تو چرا این قدر ندار هستی و ...»؛ و من نیز در جواب گفتم: ما وقت نداشتیم برویم پول در بیاوریم، که عزت خود را حفظ کنیم.

بی‌تردید زمانی که پناهیان، استاندار بی‌عرضه خوزستان را خطاب کرد و گفت: که مسئول بی‌عرضه را باید به گاری بست؛ می‌دانست چند روز دیگر انگشت های اتهام از داخل و خارج کشور به سمتش روانه رفته و صدر بی‌بی‌سی و من و تو و اینترنشنال عربستانی می‌شود، او به خوبی ازین حجم تخریب‌های فرهنگی اطلاع داشت، اما سکوت نکرد، زیرا به این اصل معتقد بود: سکوت در قبال این انحرافات، چیزی جز جنایت و خیانت به دین نخواهد بود.

به نقل از علیرضا پناهیان:

برخی‌ها فکر می‌کنند بنده هزینه برخی از حرف‌هایی که زده‌ام را نمی‌دانم. اتفاقاً انتظار خیلی بیشتر از این را دارم، این توهین‌هایی که در رسانه‌های منسوب به خط این دولت و هوادارانش دروغ‌پردازی و رذالت را از حد گذرانده‌اند و رسانه‌های خودمان هم، همچنین کم‌اشتباه نیستند بنده یا هرکسی که احیاناً یک حرف حقی را علیه مسئولین بزند یا کم‌کاری‌های‌شان را رسوا کند و آنها را جهنم بفرستد، آدرس و بلاهای‌شان را بالای منبر بگوید و ... شما فکر می‌کنید مشکلات و هزینه این حرف‌ها فقط همین چهارتا حرفی است که علیه او می‌زنند؟!



به نقل از علیرضا پناهیان:

یک دروغ‌های رذیلانه‌ای گفته‌اند که من اصلاً کسر شأن جلسات امام حسین(ع) می‌دانم که بنشینم وقت شما را بگیرم و به دروغ‌های اینها درباره زندگی شخصی خودم جواب بدهم؛ خانه‌ای را حدود سال ۱۳۸۵ پنج سال بود که ما با یک شریکی می‌خواستیم بسازیم، چرا پنج سال طول کشیده؟ چون من پول نداشتم و او ذره ای پول گذاشت؛ و آخرش گفت: «من می‌خواهم بفروشم» گفتم: حالا تو یک مقدار صبر کن، من پول جور می‌کنم و پشت تلفن برگشت گفت: «آقا کمیته امداد که باز نکرده‌ایم!»

گفتم: خب صبر کن من یک مشتری گیر می‌آورم بیاید از شما بخرد و شما برو دنبال کار خودت. شرایط ما هم مناسب نبود، نمی‌توانستیم هرجایی برویم. بنده به این آقای محترمی که نامش را کنار اسم من چسباندند تا مثلاً ما را با ایشان خراب کنند یا ایشان را با ما خراب کنند، گفتم: شما می‌آیید این خانه را بخرید؟ یک زمین ۲۲۵ متری است، که هر طبقه‌اش حدوداً ۱۲۰ متر می‌شد.

گفتم بیایید سهم این بنده خدا را بخرید چون او پولش را لازم دارد. ایشان آمد و سهم آن فرد را خرید و خانه را تمام کردیم، در سند پایان کار، اسم این بنده خدا آمده است. حالا یک‌جوری رذیلانه مطلب را منتشر کردند که «شراکت فلانی با صاحب فلان کارخانه‌ها و فلان انسان پولدار...» که برخی از رفقای ما زنگ می‌زنند و می‌گویند: پس یک برج صد میلیاردری نیست؟ می‌گوییم: «نه بابا، یک خانه مسکونی است که ما هم یک واحدش را داشتیم.»

آیا کسی که تقوا را سر کشیده و یک لیوان هم رویش و ادعای عدالت‌خواهی هم دارد، باید کسی حرفش را باور کند؟ ما دو سال حدوداً آنجا زندگی (کردیم حدوداً سال های ۹۱ و ۹۲). کسانی که از این رانته‌ها برخوردار هستند

سیاست زمین سوخته

بررسی میراث دولت برای دولت بعد



عملا مردم برده شرکت های چند ملیتی میشوند و در ارزانترین حالت برای سود بیشتر آنها کار می کنند.

بعد از شکست این سیاست، در سال سوم دولت به تدریج بازار را رها کرد تا دوباره کسری بودجه را با خلق نقدینگی و بورس تامین کند. وضعیت کنونی دولت مانند سرباز هایی شده است که روز های آخر خدمت را سپری می کنند، فقط می خواهند روزگار رد شود تا کارت پایان خدمت بگیرند. در حال حاضر دولت سیاست زمین سوخته را اجرا می کند، دولت آینده با کوهی از مشکلات و بدهی های مالی روبرو خواهد شد که باید چهار سال فرصت خود را برای مدیریت و عبور از بدهی های دولت فعلی صرف کند. حالا که نه برجام گلابی داد، نه اروپا کاری کرد، بخش زیادی از FATF را هم پذیرفتیم روی کاغذ هیچ دستاوردی را نمیشود برای دولت نوشت، سکه ای که قرار بود ارزان بشود اما از ۱ میلیون سال ۹۲ به ۱۴ میلیون و خورده ای رسید و دلاری که از سه هزار تومان به ۲۸ تا ۳۰ هزار تومان رسید، افزایش ۵۶۸ درصدی قیمت مسکن، تعطیل شدن صنعت هسته ای و... جزو هزاران دستاورد برجام می باشد که البته نه برای ما، بلکه برای کدخدا.

در طول تاریخ یکی از تاکتیک های جنگی که آخرین راهکار برای دفاع از سرزمین و دستاورد ها بود اینچنین بود که گروه مدافع برای جلوگیری از مهاجمان از امکانات همه چیز را از بین می بردند، مثلا چاه های آب را مسموم می کردند، پل ها را تخریب می کردند، زمین های کشاورزی را آتش می زدند، انبار های آذوقه را از بین می بردند. به این ترتیب حتی اگر دشمن سرزمین آن ها را تصرف می کرد هیچ دستاوردی نداشت و نمی توانست کاری از پیش ببرد.

یکی از کارهای دولت از سال ۹۲ تا امروز افزایش افسار گسیخته نقدینگی می باشد که تا سال ۱۴۰۰ بیشتر هم خواهد شد، دولت مبنای اقتصادی خودش را برجام قرار داده بود و با این پیش فرض، دو سه سال اول صرف برجام شد و بعد از آن هم هیچ نتیجه ای از گلابی های برجام حاصل نشد، قیمت دلار تا اواخر دوره اول دولت بخاطر انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ تقریبا ثابت مانده بود. بعد از انتخابات ۹۶ و عدم دستاورد های دولت از برجام، البته، چند فروند هواپیمای نمایشی که به ناوگان اضافه شد یا قرار داد های کوتاه مدت پژو، توتال و... را نباید نادیده گرفت، زیرا جزو دستاوردهای مهم اما موقت برجام بود که با اخم آمریکا و برداشته شدن تضمین کری بعد از مدتی این موارد را هم جمع کردند و رفتند. حالا جناب پرزیدنت ماند و حوضش! بعد از مدتی آمریکا از برجام خارج شد اما از آنجایی که ما آدم های نامردی نیستیم گفتیم اشکال ندارد؛ بجای کدخدا

باعث قتل تعدادی از شهروندان آمریکا میشود از کاخ سفید برای کمک به نوید افکاری توثیت بزند و ساعت ها وقت برای یک اعدامی صرف کند؟

تنها چیزی که من با عقل خود درکش میکنم این است که رسانه های معاند با قدیس سازی محکومان و متهمان با استفاده از تکنیک های لفظی مانند ورزشکار بودن و جوان بودن پروژه ای را دنبال میکنند که چهره ی حکومت جمهوری اسلامی ایران را سیاه نشان دهند.

اما نکته ی حائز اهمیت، کسانی هستند که چون مهره هایی بی جان در این میدان فتنه انگیز و مه آلود به بازی گرفته شده اند مانند کاربران فیسبوک و اینستاگرام و توییتر که ندانسته و ناخواسته پیرو افکار غلط غربی ها شده و به اشتباه دست به قضاوت میزنند.

اندکی تامل کنیم: چه کسی بی گناه بود؟ نوید یا آقای ترکمان

نوید افکاری؛ مصداقی از اسطوره سازی صدا و سیمای غرب

:BBC

با انتشار عکسی از نوید تیتیر زد: نوید افکاری کشتی گیر ایرانی اعدام شد.

:Iran international

با انتشار عکسی از نوید تیتیر زد: علی رغم هشدارها و درخواست ها نوید افکاری اعدام شد.

:Radio Farda

با انتشار عکسی از نوید در سالن کشتی و با تیتیر: (نوید افکاری اعدام شد / نوید افکاری قهرمان کشتی بود) به انتشار این خبر پرداخت.

:Twitter

در توییتر هشتگ هایی مانند: نوید افکاری را کشتند و نوید افکاری در روزی که زاده شد سربدار شد؛ گسترده شد.

اما چرا باید رسانه های خارجی به اصطلاح مدافعان حقوق بشر اینبار سناریوی حمایت از یک قاتل را در دستور کار خود قرار دهند؟ چرا باید دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا که خود روزانه

ماجرای نوید افکاری از حکم اعدامش مبنی بر قتل مرحوم ترکمان برجسته شد. او در ۱۱ مرداد ۱۳۹۷ یک فرد میانسال از کارمندان سازمان آب و فاضلاب را درحالی که به خانه اش باز می گشت مورد ضرب و جرح قرار داد. وی به دلیل پارگی عروق گردن و خونریزی شدید درگذشت. نوید ۴۷ روز پس از قتل مرحوم ترکمان دستگیر شد و پس از برگزاری جلسه علنی رسیدگی به پرونده، نوید به قصاص نفس محکوم شد اما با اعتراض وکیل مدافع وی در شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور بررسی و حکم قصاص نفس قطعیت یافت و سرانجام وی در ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ اعدام شد. چندی نگذشت که خبر اعدام وی در سر دنیا مانند بمب صدا کرد و رسانه های خارجی فارسی زبان با عناوین مختلف خبر اعدام نوید را پوشش دادند و جالب اینکه هیچ یک از رسانه های خارجی نامی از مرحوم ترکمان نبرده اند و فقط حامی نوید شده اند.

نام تعدادی از این رسانه ها به همراه تیتیرها و هشتگ هایشان به شرح زیر است:



فجازیسم

نگاهی به خوب و بد مجازی

مقاطع تحصیل کند، جوانی که میتواند یک کار آفرین موفق، یک هنرمند یا یک الگوی خوب باشد، حالا با شروع یک رابطه هرچند مجازی تمام این فرصت ها را از خود میگیرد و دیگر آن پویایی و نشاط جوان آزادی که درگیر عشقهای نیم بند مجازی نشده اند را ندارد. پس مراقب خودمان باشیم. (:

به غیر از این مورد بحث علمی و فرهنگی و اجتماعی فضای مجازیست که اگر از حق نگذریم کمک هایی به بشریت داشته اما در این بین موارد دیگری به چشم میخورد از جمله ارتباطات نامناسب بین جنس مخالف!

شاید شما هم در اطرافتان دیده باشید یا اینکه حتی خودتان تجربه کرده باشید. ارتباطاتی که چه بسا با این توجیه که برای ما مهم نیست، ما عقل داریم

و دلمان را زود نمیبازیم و... شروع شده باشند اما در نهایت به ناکجا آباد ختم شده باشد. بهر حال نفس سرکش کاربرد تر از این حرف هاست. اینجاست که تمامی بزرگان خاطر نشان کرده و ما را بیم داده اند که مراقب دلمان و سخنانمان و نگاهمان به نا محرم باشیم.

جوانی که میتواند در بهترین



«یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»

ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تافخر کنید) همانا گرامی ترین شما نزد خداوند متقی ترین شماست.

قرآن کریم سوره مبارک حجرات آیه ۱۳

پروردگار بلند مرتبه تمامی انسان ها را با ارتباطات اجتماعی آفریده و این ارتباطات در طی روزگاران مختلف شکل های گوناگونی به خود گرفته. از روشن کردن آتش در زمان بدوی ها تا ابزار های اجتماعی و هوشمند در زمان ما.

حال که ارتباطات ما با این فضای جدید گره خورده قطعاً جایگاه انسان باشد پای نیاز هایش هم وسط است؛ نیاز هایی اعم از جسمی و روحی. همانطور که خودتان میدانید، این روز ها خیلی از افراد در حال اشتغال زایی از طریق همین فضای مجازی مخصوصاً اینستاگرام هستند. اپلیکیشنی که بیشترین مخاطب و بازخورد را در جهان دارد.

محدثه عصاریان.....
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

چهار نان راه گشا

نون اول «نبین» :

۱. عیب مردم را نبین
۲. مسائل جزئی در زندگی خانوادگی را نبین
۳. کارهای خوب خودت را که برای دیگران انجام میدهی نبین
۴. گاهی باید وانمود که ندیدی (اصل تغافل)

نون دوم «نگو»:

۱. هر چی شنیدی نگو
 ۲. به کسی که حرفت در او تاثیر ندارد نگو
 ۳. سخنی که دل بیازارد نگو
 ۴. هر سخن راستی را هر جا نگو
 ۵. هر خبری را که در حق دیگران کردی نگو
- عراز را نگو حتی به نزدیک ترین افراد

نون سوم: «نشنو»:

۱. هر سخنی ارزش شنیدن ندارد نشنو
۲. وقتی دو نفر آهسته سخن می گویند سعی کن نشنوی
۳. گاهی وانمود کن نشنیدی (خودت را به نشنیدن بزن)

نون چهارم: «نپرس»:

۱. آنچه را که به تو مربوط نیست نپرس
۲. آنچه را که کسی از گفتنش شرم دارد، نپرس

۳. آنچه باعث آزار شخص میشود نپرس

۴. آن پرسشی که در آن فایده ای نیست نپرس

۵. آنچه موجب اختلاف و نزاع میشود نپرس

گاهی تکه نانی، آدمی را از مرگ نجات می دهد؛ حال با این نان ها میتوان جلوی خیلی از مشکلات و اختلافات را گرفت و به آرامش رسید.





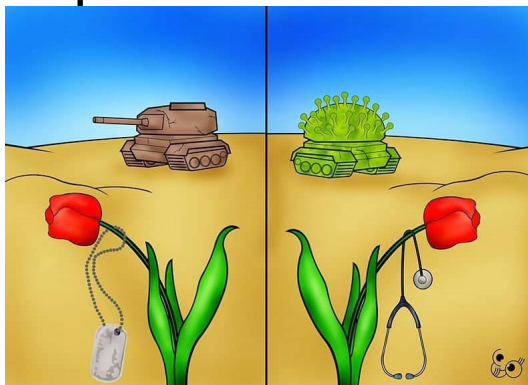
آهنگ «چرخ و فلک» با صدای سالار عقیلی

شناسنامه:

فصل نامه ی دانشجویی تکرار فرهنگی، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی
سال سوم، شماره هفتم، آذر ۱۳۹۹،
شماره مجوز: ۹۶۲۲۳۴ از دانشگاه فردوسی مشهد
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مجید نجفی
دبیر هیئت تحریریه: نجمه قاسمعلیپور
طراح: احمد محمدپور
ویراستار: مصطفی کلارن
طراح لوگو: سید احمد هاشمی غزینی
هیئت تحریریه:
هانیه غلامی، فاطمه معاریان، محدثه عساریان، زهرا باخدا، نجمه قاسمعلیپور،
مریم اصغری، فائزه زاهدی، سیده نکتم سیدی، فاطمه مقیمی، طاهره سادات
پهره مند، زینب شکوری مقدم، ریحانه عباسزاده، عاطفه مازور، سمانه عبداللهی،
فاطمه گلشنی فر، زهرا خسروشیری، حمیده مجد میرزایی
حمیدرضا ایروانی، سعید علمی، سجاد واعظ، مصطفی کلارن، محمد حسین
دلیری راد، محمد معین وطن خواه، ابوالفضل عباسی، محمد موسوی، سجاد
حسینی، مجید نجفی، علی قاسمی، سید حسن حسینی مطلق
جهت آرایه پیشنهادات و انتقادات: ۰۹۹۰۰۶۷۰۷۲۳

@safir_takrar

عکس مفهومی



اخبار و اعلان های خانه نشریات

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه درخواست مجوز نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه ثبت آرشیو نشریه

اسناد و آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشگاهی

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

لیست نشریات فعال

در سایت سند sanad.um.ac.ir

